



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 15, Issue: 2
Autumn & Winter
2024-2025

A comparative study of the formal requirements of the principle of universal jurisdiction in the legal systems of Germany and Sweden

Bahman Saedi¹ | Amir Saed Vakil^{2✉}

1. Department of Public International Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: bahman.saedi@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: vakil.a@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2023/04/25</p> <p>Received in revised form: 2023/11/01</p> <p>Accepted: 2023/11/04</p> <p>Published online: 2024/12/21</p> <p>Keywords: <i>Formal Requirements, Universal Jurisdiction, Germany, Sweden, International Crimes.</i></p>	<p>The rationale behind universal jurisdiction is to combat impunity and prevent third States from becoming safe havens for those who have committed international crimes; that is, when the alleged suspect is not a national of the State, the alleged suspect did not commit a crime in that State's territory or against its nationals, or the State's national interests have not been affected. The present article, with the descriptive-analytical method, and with the aim of explaining the status of universal jurisdiction in the contemporary international law system in general, examines the formal requirements of applying this principle in the legal systems of Germany and Sweden. The findings of this article show that in both legal systems of Germany and Sweden, there is unanimity regarding the application of the principle of absolute universal jurisdiction. In addition, the scope and application of this principle are often similar in these two States. However, in the legal system of Germany and Sweden, the prosecution and trial of alleged suspects of international crimes entail the fulfillment of formal requirements.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Saedi, Bahman; Vakil, Amir Saed (2024). A comparative study of the formal requirements of the principle of universal jurisdiction in the legal systems of Germany and Sweden. <i>Comparative Law Review</i>, 15 (2), 573-599. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.358273.634495</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jcl.2023.358273.634495</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press</p>





مطالعه تطبیقی الزامات شکلی اصل صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوقی آلمان و سوئد

بهمن ساعدی^۱ | امیرساعد وکیل^۲

۱. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: bahman.saedi@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: yakil.a@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: آلمان، الزامات شکلی، جرایم بین‌المللی، سوئد، صلاحیت جهانی.	منطق مبانی صلاحیت جهانی این است که با بی‌کیفرمانی مقابله شود و از تبدیل کشورهای ثالث به پناهگاه امن برای کسانی که مرتکب جرایم بین‌المللی شده‌اند، جلوگیری گردد؛ یعنی زمانی که مظنون ادعایی تبعه دولت اعمال‌کننده صلاحیت نبوده، در قلمرو آن دولت یا علیه اتباع آن یا خود دولت مرتکب جرم نشده و نیز منافع ملی آن دولت را تحت تأثیر قرار نداده باشد. نگارندگان مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین وضعیت صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل معاصر به‌عنوان یک کل، به بررسی الزامات شکلی اعمال این اصل در نظام‌های حقوقی آلمان و سوئد می‌پردازند. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که در هر دو نظام حقوقی آلمان و سوئد در خصوص اعمال اصل صلاحیت جهانی موسع اتفاق نظر وجود دارد و نظام حقوقی این دو کشور متضمن چنین اصلی است. افزون بر این، دامنه و کاربرد این اصل در این دو کشور اغلب متحدالشکل است. با وجود این، در نظام حقوقی این دو کشور، تعقیب و محاکمه مظنونان به ارتکاب جرایم بین‌المللی مستلزم تحقق الزامات شکلی است.
استناد	ساعدی، بهمن؛ وکیل، امیرساعد (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی الزامات شکلی اصل صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوقی آلمان و سوئد. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۵ (۲)، ۵۷۳-۵۹۹.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.358273.634495 10.22059/jcl.2023.358273.634495
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

یکی از راهکارهایی که دولت‌ها در جایگاه تقویت ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل به آن متوسل شده‌اند، اعمال صلاحیت جهانی در تعقیب و محاکمه مرتکبان ادعایی جرایم بین‌المللی است (وکیل، ۱۳۹۰: ۱۶۵). بنابراین، تلاش کشورهای مختلف برای مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان یادشده و عمل به تعهدات برگرفته از حقوق بین‌الملل عام^۱، موجبات وضع و اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی کشورهای مختلف را فراهم آورده است. مشخصه بارز اصل صلاحیت جهانی این است که هیچ پیوند صلاحیتی سنتی با کشور اعمال‌کننده آن از نظر محل وقوع جرم یا تابعیت مرتکب یا قربانیان ندارد (Takeuchi, 2014: 1). در واقع، صلاحیت جهانی ابزاری است برای پاسخگو کردن عاملان نقض حقوق بنیادین بشر؛ صرف نظر از اینکه جرایم در کجا و از سوی اتباع چه کشوری ارتکاب یافته است. چنان‌که در بیانیه نماینده آلمان در سال ۲۰۲۱ در کمیته ششم مجمع عمومی آمده است: «آلمان صلاحیت جهانی را ابزاری مؤثر و متناسب برای تعقیب پاسخگویی در قبال بدترین جرایم بین‌المللی می‌داند» (Statement by the Federal Republic of Germany, 2021: 1). همچنین، نماینده سوئد در بیانیه خود به نمایندگی از کشورهای نوردیک^۲ در هفتاد و سومین نشست کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص «دامنه و کاربرد اصل صلاحیت جهانی»^۳ بیان داشت: «حاضر کردن مرتکبان در محضر عدالت تنها به معنای پایان دادن به بی‌کیفرمانی نیست. [بلکه] همچنین برای تقویت احترام به حقوق بین‌الملل و تأمین عدالت برای قربانیان است. به کارگیری اصل صلاحیت جهانی، ابزار مهمی است برای دولت‌ها و دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی برای تضمین اینکه جدی‌ترین جرایم بدون مجازات نمی‌مانند» (Statement by Sweden on behalf of the Nordic countries, 2018: 3). همچنین، مبنای تعهد دولت‌ها، نقض قاعده آمره ناظر بر ممنوعیت ارتکاب جرایم بین‌المللی (ILC, 2022: Conclusion 23) و مشخصاً برخی تعهدات معاهده‌ای دولت‌ها است؛ برای نمونه، سوئد در پاسخ به درخواست «دفتر امور حقوقی ملل متحد»^۴ که در اعمال بند ۳ اجرایی قطعنامه ۷۲/۱۲۰ سال ۲۰۱۷

1. General International Law

- حقوق بین‌الملل عام متضمن حقوق عرفی است. هنجارهای معاهده‌ای، حتی اگر همه دولت‌ها طرف یک معاهده باشند، برای تبدیل شدن به هنجارهای حقوق بین‌الملل عام نیاز به عنصر معنوی (opinio juris) این کشورها دارد. به عبارت دیگر، مفاد معاهده باید به هنجارهای عرفی تبدیل شود تا به‌عنوان هنجارهای حقوق بین‌الملل عام تلقی گردد؛ لذا، زمانی که موضوع معاهده عمومیت دارد و برای کلیه کشورها و نه صرفاً برای کشورهای متعاقد آن، لازم‌الاجرا است (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۹۴)، معاهده یادشده در شمار حقوق بین‌الملل عام قرار می‌گیرد.

2. Nordic**3. The scope and application of the principle of universal jurisdiction.****4. United Nations Office of Legal Affairs.**

مجمع عمومی از دولت‌های عضو دعوت کرد اطلاعات و ملاحظات خود را در مورد دامنه و کاربرد اصل صلاحیت جهانی، از جمله در صورت لزوم، اطلاعات مربوط به معاهدات بین‌المللی قابل اجرا و قواعد حقوقی ملی و رویه قضایی خود را ارائه کنند، مبنای اعمال صلاحیت جهانی را تعهد بین‌المللی خود ناشی از کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و اساسنامه رم برای تحقیق و تعقیب جرایم شدید بین‌المللی عنوان کرده است (Ministry of Justice Sweden, 2021).^۱

نظر به اعمال و به‌کارگیری گسترده اصل صلاحیت جهانی در نظام قضایی کشورهای آلمان و سوئد، مقاله حاضر الزامات شکلی اعمال این اصل در نظام حقوقی این دو کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد. پرواضح است که مطالعه و بررسی تطبیقی این دو نظام حقوقی پیش‌گام در اعمال اصل صلاحیت جهانی می‌تواند از یک سو چگونگی توسل به این اصل و اعمال آن در این دو نظام حقوقی را تبیین نموده، از سوی دیگر در اجرایی کردن و اعمال مطلوب این اصل در نظام حقوقی ایران همگام با توسعه جهانی آن مفید واقع شود. شایان ذکر است که علی‌رغم شناسایی و وضع اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران وفق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، جرایم مشمول این اصل و نیز سازوکار حقوقی مشخص و متناسب با نظام حقوقی ایران برای اعمال این اصل مقرر نشده است.^۲

با عنایت به مطالب یادشده، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که اعمال صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوقی آلمان و سوئد متضمن چه الزاماتی است؟ همچنین به‌عنوان سؤال فرعی، در نظام حقوق بین‌الملل اعمال صلاحیت جهانی به‌عنوان یک ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر از چه کارکردها و پشتیبانی‌های هنجاری برخوردار است؟

به‌منظور پاسخ به سؤالات پیش‌گفته، نگارندگان این مقاله در ابتدا به بررسی کارکرد صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل و شیوه‌های اعمال آن می‌پردازند، سپس به صورت تطبیقی، چگونگی اعمال صلاحیت جهانی و نیز پیش‌شرط‌های آن را در نظام‌های حقوقی آلمان و سوئد مورد مطالعه قرار می‌دهند.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص منشأ و ماهیت اصل صلاحیت جهانی، نک: فروغی، فضل‌الله (۱۳۸۸)، منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱ (۳)، ۲۱-۴۷.

2. See: TRIAL International, Universal Jurisdiction Annual Review 2022, pp. 52-65 and 72-75, available at: https://trialinternational.org/wp-content/uploads/2022/03/TRIAL_International_UJAR-2022.pdf. Last visited: 20 August 2023.

۳. وضعیت فعلی اعمال صلاحیت جهانی از سوی سایر کشورها و لزوم مقابله با بی‌کیفرمانی، ضرورت قانون‌گذاری در خصوص جرایم بین‌المللی را ایجاب می‌کند. در حقیقت، در فقدان چنین قانونی و علی‌رغم تجویز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اعمال صلاحیت جهانی، امکان آغاز جریان رسیدگی‌های کیفری (تحقیق، تعقیب و محاکمه) در مورد مرتکبان چنین جرایمی ناممکن است.

۲. ملاحظات کلی راجع به اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل

در مبحث نخست در قالب دو گفتار، کارکرد صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل و ضرورت قانون‌گذاری داخلی و نیز شیوه‌های اعمال صلاحیت جهانی در نظام حقوقی کشورها بررسی می‌شود.

۱.۲. کارکرد صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل و ضرورت قانون‌گذاری داخلی

به‌منظور تبیین وضعیت صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل و الزامات عملیاتی شدن آن در نظام‌های داخلی، به ترتیب و در قالب دو بند، کارکرد صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل و نیز ضرورت قانون‌گذاری آن در نظام‌های داخلی مطالعه می‌شود.

۱.۱.۲. کارکرد صلاحیت جهانی در نظام حقوق بین‌الملل

اصل صلاحیت جهانی به کشورها (کشور ثالث) این اجازه را می‌دهد که نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل را که در خارج از قلمرو کشورها ارتکاب یافته‌اند، در نظام قضایی خود مورد تعقیب و رسیدگی قرار دهند، بدون اینکه حتی پیوندی با مرتکب (اصل صلاحیت شخصی فعال)، قربانی (اصل صلاحیت شخصی منفعل) یا محل جرم (اصل صلاحیت سرزمینی) وجود داشته باشد و یا به منافع حیاتی و اساسی آن تجاوز شده باشد (اصل صلاحیت واقعی). در حقیقت، اصل صلاحیت جهانی بدون پیوندهای یادشده، صرفاً مبتنی بر ماهیت جرم است. البته نقض شدید حقوق بین‌الملل و ارتکاب جرایم بین‌المللی دقیقاً تعریف نشده است. به‌طور سنتی، در این خصوص می‌توان از دزدی دریایی نام برد که مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، نخستین جرم بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود (Takeuchi, 2014: 1). بعد از جنگ جهانی دوم، موافقت‌نامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن منعقدشده فی‌مابین کشورهای فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی، پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا، دادگاه نظامی نورمبرگ را ایجاد کرد که جرایم بین‌المللی وفق حقوق معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی در اساسنامه آن گنجانده شد؛ یعنی جنایت علیه صلح، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت (Nuremberg IMT-Statute, 1945: art. 6 (a-b)). متعاقباً معاهدات و اسناد بین‌المللی مختلف اشکال گوناگونی از رفتارهای ممنوعه را به‌عنوان جرایم بین‌المللی شناسایی کرده‌اند؛ کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی؛ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز؛ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری؛ اساسنامه‌های دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا؛ و نیز دیوان کیفری بین‌المللی از برجسته‌ترین معاهدات و اسناد بین‌المللی ناظر بر جرایم بین‌المللی هستند. اگرچه نمی‌توان فهرست دقیقی از جرایم جدی دارای صلاحیت جهانی

را طبقه‌بندی کرد، ولی به نظر می‌رسد وفق حقوق بین‌الملل عام مشهودترین جرایم جدی شامل این موارد است: نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی (زمانی، ۱۴۰۰: ۳۰۱). اشاره صریح به صلاحیت جهانی در حقوق معاهدات محدود است، اما برخی از اسناد چندجانبه به صراحت متضمن صلاحیت جهانی هستند؛ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (به ترتیب مواد ۴۹ (کنوانسیون اول)، ۵۰ (کنوانسیون دوم)، ۱۲۹ (کنوانسیون سوم) و ۱۴۶ (کنوانسیون چهارم))^۱، کنوانسیون لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه (ماده ۲۸)^۲، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها (ماده ۱۰۵)^۳، و کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (ماده ۴)^۴، از جمله معاهدات متضمن صلاحیت جهانی هستند. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مقرر داشته است که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ متضمن صلاحیت کیفری اجباری جهانی برای دولت‌های متعاقد

۱. «طرف‌های معظم متعاقد تعهد می‌نمایند که کلیه اقدامات تقنینی لازم را برای تعیین مجازات‌های مناسب درباره کسانیکه مرتکب یا امر هریک از نقض‌های شدید مقررات این قرارداد به شرح ماده آتی باشند به عمل آورند. هریک از طرفین معظمین متعاقد مکلف هستند که افرادی را که ادعا می‌شود مرتکب یا امر به ارتکاب نقض‌های شدید شده‌اند، جستجو و آنها را بدون توجه به ملیتشان، تسلیم محاکم خود نمایند. همچنین می‌توانند در صورت تمایل و مطابق با شرایط مقرر در قوانین خود، این افراد را برای محاکمه به طرف معظم متعاقد دیگر که علاقه‌مند به تعقیب آنها باشد تسلیم نمایند، مشروط بر اینکه آن طرف متعاقد دلایل و امارات کافی علیه آن اشخاص جمع‌آوری کرده باشد».

۲. نک: صابر، محمود و میرمجیدی هشتچین، سپیده (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی جرم‌نگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی؛ حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش‌های موضوع حقوق بین‌الملل، مجله حقوق تطبیقی، ص ۱۰۱-۱۰۲ پاورقی شماره ۸.

۳. ماده ۲۸ کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴: «طرف‌های معظم متعاقد متعهد می‌شوند که در چارچوب صلاحیت کیفری عادی خود، کلیه اقدامات لازم را برای تعقیب و مجازات‌های کیفری یا انضباطی علیه اشخاصی از هر ملیتی که مرتکب یا امر به ارتکاب نقض این کنوانسیون می‌شوند، اتخاذ کنند».

۴. ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲: «در دریای آزاد یا در هر مکان دیگری خارج از صلاحیت هر کشوری، هر کشوری می‌تواند کشتی یا هواپیمای دزدان دریایی یا کشتی یا هواپیمایی را که ربوده شده و تحت کنترل دزدان دریایی قرار گرفته است، ضبط کند و افراد را دستگیر و اموال داخل کشتی را توقیف نماید. دادگاه‌های دولتی که ضبط را انجام داده‌اند می‌توانند در مورد مجازات‌هایی که باید اعمال شود تصمیم بگیرند و همچنین می‌توانند اقداماتی را که باید در مورد کشتی‌ها، هواپیماها یا اموال انجام شود، با توجه به حقوق اشخاص ثالثی که با حسن‌نیت عمل می‌کنند، مشخص کنند».

۵. ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید: «الف) اتخاذ هرگونه تدابیر قانونی یا سایر اقدامات لازم برای سرکوب و همچنین جلوگیری از هرگونه تشویق به جرم آپارتاید و سیاست‌های تبعیض‌آمیز مشابه یا مظاهر آن و مجازات افراد مرتکب این جرم. ب) اتخاذ تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی برای تعقیب، محاکمه و مجازات افراد مسئول یا متهم به اعمال مشخص شده در ماده دوم این کنوانسیون مطابق با صلاحیت خود، خواه این افراد در قلمرو کشوری که اعمال در آن ارتکاب یافته سکونت داشته یا اتباع آن کشور یا کشور دیگری باشند یا افراد بدون تابعیت باشند».

است (ICTY, 1995: 79). افزون بر این، در ارزیابی مبانی هنجاری اعمال صلاحیت جهانی و تحت تعقیب قرار دادن مرتکبان ادعایی جرایم بین‌المللی، نباید از «کنوانسیون غیرقابل اجرا بودن مرور زمان در جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت»^۱ مصوب ۱۹۴۸ غافل شد؛ اگرچه این کنوانسیون به‌طور گسترده تصویب نشده است، اما در نظر گرفتن آن به‌عنوان حقوق عرفی استدلال ضعیفی نخواهد بود. اثبات ادعای یادشده، محاکمه‌هایی است که علیه مرتکبان جرایم بین‌المللی در طول جنگ جهانی دوم برگزار شده و نیز دادگاه‌هایی که علیه وقایع ادعایی متضمن ارتکاب جرایم بین‌المللی تشکیل گردیده است. برای مورد اخیر می‌توان به قضیه رودولفو مارتینز ویلا و دیگران^۲ که به دوران دیکتاتوری فرانکو مربوط می‌شود، و نیز رای دادگاه عالی کیفری عراق علیه «صدام حسین»^۳ اشاره کرد. لازم به ذکر است که در برابر قضایای ناشی از رخدادهای پیش‌گفته، هیچ استثنایی ناشی از عدم صلاحیت زمانی^۴، شخصی^۵ یا سرزمینی^۶ (Sánchez, 2018: 29) مورد پذیرش محاکم قرار نمی‌گیرد.

1. The Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes against Humanity.

۲. این قضیه مربوط به مقامات اسپانیایی سابق دوران دیکتاتوری فرانکو (از جمله آنتونیو گونزالس پاچکو، افسر سابق پلیس؛ خسوس مونیگاس آگیلار، فرمانده سابق گارد سیویل یا همان نیروهای انتظامی اسپانیا؛ و رودولفو مارتینز ویلا، وزیر سابق) است که ادعا می‌شود در دوران دیکتاتوری فرانکو مرتکب جرایم بین‌المللی در اسپانیا بین سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۷۷ شده‌اند. در بازه زمانی ۱۴ آوریل ۲۰۱۰ تا ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸، نزد قاضی آرژانتینی «سروینی دو کوبریا» دعای متعددی علیه افراد پیش‌گفته اقامه شد که در نهایت قاضی سروینی از مارتین ویلا در ۳ سپتامبر ۲۰۲۰ در سفارت آرژانتین در مادرید اسپانیا از طریق یک ویدئو کنفرانس پنج‌ساعته بازجویی کرد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۲۱، قاضی سروینی، مارتین ویلا را به چهار فقره قتل خشونت‌آمیز متهم کرد. مارتین ویلا به این تصمیم اعتراض کرد و دادرسی یادشده هنوز به اتمام نرسیده است (TRIAL International, Universal Jurisdiction Annual Review 2022).

۳. ۸ ژوئیه ۱۹۸۲، ماشین حامل «صدام حسین» برای شرکت در یک کنفرانس راهی شهرک «الدجیل» در ۶۰ کیلومتری شمال بغداد (استان صلاح الدین) بود که در نخلستان‌های حومه شهر از سوی اعضای «حزب الدعوة» عراق به رگبار بسته شد، اما وی از این سوء قصد نجات یافت. این ترور نافرجام نقطه آغاز وقایعی شد که بعدها به «واقعه دجیل» شهرت یافت که مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۲ تاریخ وقوع آن است. به دستور صدام، در یک روز ۱۴۸ نفر را به‌طور وحشتناکی به قتل رساندند. دادگاه عالی کیفری عراق در حکم خود در پرونده *الدجیل* در سال ۲۰۰۶ در پاسخ به ایرادات وکلای متهمان مبنی بر نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و در نتیجه نقض عدم عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری مقرر داشت، از آنجا که اعمال مجرمانه مندرج در اساسنامه دادگاه، پیش‌تر وفق حقوق بین‌الملل عام جرم‌انگاری شده بود، لذا آنچه در اساسنامه دادگاه آمده، صرفاً تدوین این اعمال مجرمانه از قبل جرم‌انگاری شده است و ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها نیست (Iraqi High Tribunal, Dujail Trial, 2006: 39-44).

4. Ratione temporis.

5. Rationae personae.

6. Ratione loci.

۲.۱.۲. ضرورت قانون‌گذاری صلاحیت جهانی در قوانین ملی

برای اینکه اصل صلاحیت جهانی عملیاتی شود، دولت‌ها باید جرایم مربوط به صلاحیت جهانی را در قوانین ملی خود جرم‌انگاری کنند. در حقیقت، دادگاه‌های ملی زمانی می‌توانند صلاحیت جهانی را اعمال کنند که دولت متبوع دادگاه، قوانین متضمن اعمال صلاحیت جهانی، جرایم مشمول آن و نیز مجازات متناسب را وضع و جرم‌انگاری کرده، امکان تعقیب مرتکبان ادعایی جرایم بین‌المللی را فراهم آورد. گاهی وضع قانون ملی ناظر بر تعقیب جرایم بین‌المللی به واسطه کنوانسیون‌های بین‌المللی الزامی می‌شود؛ مانند کنوانسیون لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه و پروتکل دوم آن (مواد ۱۶ و ۱۷)، کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۴) و کنوانسیون بین‌امریکایی برای جلوگیری و مجازات شکنجه (ماده ۶) که کشورهای عضو را ملزم می‌کند قوانین لازم برای تعقیب یا استرداد هر فرد متهم به شکنجه را که در کشور آن‌ها یافت می‌شود، تصویب کنند.^۱ باید بیان داشت صرف تصویب یک کنوانسیون بین‌المللی متضمن اصل صلاحیت جهانی، امکان تعقیب و محاکمه مرتکبان ادعایی جرایم بین‌المللی را فراهم نمی‌آورد. در حقیقت، مقررات مربوطه حقوق بین‌الملل «خوداجرا»^۲ نیستند و کشورها باید ابزارهای قانونی لازم را برای اعمال صلاحیت جهانی از سوی محاکم خود فراهم آورند؛ همچون وضع قوانین متضمن تعریف روشن از جرم و عناصر تشکیل‌دهنده آن و نیز مجازات‌های متناسب با هریک از جرایم. در واقع، وجود مبنای مشخص برای صلاحیت جهانی، تعریف کاملاً روشن از جرم مشمول صلاحیت جهانی و عناصر آن و نیز ابزار ملی اجرای صلاحیت جهانی که به قوه قضاییه اجازه اعمال آن را بدهد، سه گام ضروری برای عملیاتی کردن اعمال اصل صلاحیت جهانی محسوب می‌شوند (وکیل، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

۲.۲. شیوه‌های اعمال صلاحیت جهانی در نظام حقوقی کشورها

اصل صلاحیت جهانی در رسیدگی به جرایم بین‌المللی دارای دو مفهوم مضیق و موسع است؛ در مفهوم مضیق که از آن به صلاحیت جهانی مشروط نیز نام برده می‌شود، شرط اعمال صلاحیت جهانی، حضور مجرم در قلمرو کشوری است که در صدد محاکمه اوست (دلخوش، ۱۳۹۰: ۱۸۸). این نوع از صلاحیت جهانی در سطح حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص دزدی دریایی مورد توافق است (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۶۰). در واقع، اعمال صلاحیت در خصوص دزدی دریایی، مضیق بر این امر شده است که مرتکب ادعایی در دریای آزاد و یا در سرزمین دولتی که به اعمال صلاحیت می‌پردازد، دستگیر شود و دولت

1. See: <https://b2n.ir/r77089>. Last visited: 18 April 2023.

2. Self-executing.

دستگیرکننده دزدان دریایی قانوناً می‌تواند آنها را مجازات کند (والاس، ۱۳۸۷: ۱۵۳). همچنین، این مفهوم از صلاحیت جهانی در برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز مدنظر قرار گرفته است (نقض‌های شدید کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷؛ ماده ۷ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ و نیز برخی کنوانسیون‌های ضدتروریسم: ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه^۱، ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال^۲، ماده ۸ کنوانسیون گروگانگیری ۱۹۷۹^۳، ماده ۷ کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی ۱۹۸۸^۴). با این حال، این معاهدات خود را محدود به اعطای صلاحیت تعقیب و محاکمه نمی‌کنند و از دولت‌ها می‌خواهند که یا خود به تعقیب و محاکمه مبادرت ورزند یا با عنوان اختیار دیگر، خوانده را به دولت مربوطه مسترد کنند؛ تعهدی که از آن به «استرداد کن یا تعقیب کن»^۵ یاد می‌شود.

شیوه متفاوت دیگر اعمال اصل صلاحیت جهانی، شیوه اعمال موسع و مطلق است که بر اساس آن یک دولت می‌تواند صرف نظر از تابعیت، محل ارتکاب جرم، تابعیت قربانی و حتی اینکه آیا متهم بازداشت است یا به هر ترتیب در کشور محل دادگاه حضور دارد یا خیر، افراد متهم به جرایم بین‌المللی را مورد تعقیب قرار دهد. این مفهوم به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که به محض پی بردن به اطلاعاتی راجع به جرم کیفری مورد ادعا، تحقیقات کیفری در مورد افراد مظنون را آغاز کنند و به جمع آوری ادله و مدارک در مورد جرایم ادعایی بپردازند. با این حال، برخی علمای حقوق بین‌الملل اعتقاد دارند صلاحیت یادشده منوط به قصور دولت سرزمینی و دولت متبوع است و به نظر می‌رسد نباید تا زمانی که یکی از دولت‌ها پیش‌گفته شروع به اقدام می‌کند، اعمال شود (کسسه: ۱۳۸۷: ۳۶۲). از این نوع صلاحیت جهانی انتقاداتی می‌شود؛ از جمله غیبت متهم در جریان رسیدگی‌های دادگاه و در نتیجه نقض حقوق اساسی او یا انصراف دادگاه از ادامه رسیدگی به دلیل عدم دسترسی به متهم (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۶۶-۳۶۷). همچنین، منتقدان بر این باورند که امکان اعمال صلاحیت جهانی موسع به ایجاد اختلافات بین‌المللی زیادی منجر می‌شود، از این رو، نتیجه‌گیری می‌کنند که صلاحیت جهانی باید مقید به این شرط اعمال شود که مظنون در سرزمین دولت تحقیق‌کننده یا تعقیب‌کننده حضور داشته باشد (وکیل، ۱۳۹۰: ۱۷۱). همچنین، باید بیان داشت که در صلاحیت جهانی مبتنی بر معاهدات بین‌المللی، صلاحیت جهانی مطلق به رسمیت شناخته نشده است. همان‌گونه که قاضی گیوم در نظر جداگانه خود در قضیه کنگو علیه بلژیک بیان

1. Convention for the suppression of unlawful seizure of aircraft.
2. Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation.
3. International Convention against the taking of hostages.
4. Convention for the suppression of unlawful acts against the safety of maritime navigation.
2. Obligation to extradite or prosecute (aut dedere aut judicare);

- برای مطالعه بیشتر، نک: وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰)، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، نشر میزان، صص ۱۹۰-۲۰۹.

می‌کند: «صلاحیت جهانی غیابی^۱ برای حقوق قراردادی بین‌المللی امری ناشناخته است» (ICJ, separate opinion of president guillaume, 2002: 9) و نیز اساساً این امر در رویه دولت‌ها و اعتقاد حقوقی آنها به‌عنوان عناصر حقوق بین‌الملل عرفی مورد حمایت قرار نگرفته است (ICJ, separate opinion of president guillaume, 2002: 12).

۳. اعمال صلاحیت جهانی در نظام حقوقی آلمان و سوئد

در مبحث دوم، چگونگی اعمال صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوقی آلمان و سوئد به ترتیب در قالب دو گفتار «قانون‌گذاری» و «الزامات شکلی» مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۱-۳. قانون‌گذاری

قانون آلمان به‌صراحت اعمال صلاحیت جهانی را در مورد نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی مقرر کرده است (VStGB, Section 1)^۲. در سال ۲۰۰۲، با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از سوی آلمان، قانون جرایم ضد حقوق بین‌الملل (از این به بعد، قانون ۲۰۰۲)^۳ وارد نظام حقوقی آلمان شد (TI, 2019: 4). به لحاظ صلاحیتی، بخش نخست قانون ۲۰۰۲^۴ مشخصاً بین جرایم تفکیک قائل می‌شود؛ به این نحو که جرایم را به اصلی^۵ (VStGB, Sections 6-12)، جرم تجاوز (VStGB, Section 13)^۶ و سایر جرایم کیفری (VStGB, Sections 14 & 15)^۱ تقسیم می‌کند. وفق

1. In absentia.

۲. علاوه بر اصل صلاحیت جهانی، چهار اصل کلیدی دیگر وجود دارد که به آلمان صلاحیت رسیدگی به این جرایم را می‌دهد: اصل صلاحیت سرزمینی، که به دولت‌ها صلاحیت قضایی برای جنایات ارتكابی در خاک خود را می‌دهد (StGB, section 3)؛ اصل شخصی فعال، که صلاحیت دولت‌ها را برای جرایمی که اتباع آنها در خارج از کشور مرتکب شده‌اند، فراهم می‌کند، برای مثال زمانی که مرتکب یک شهروند آلمانی باشد (StGB, section 7(2))؛ اصل شخصی منفعل، که به دولت‌ها صلاحیت قضایی نسبت به جنایات ارتكابی علیه اتباع خود در زمانی که آنها در خارج از کشور هستند، می‌دهد (StGB, section 7(1))؛ در نهایت، اصل صلاحیت حمایتی، که به دولت‌ها صلاحیت قضایی برای جنایاتی که شامل فعالیت‌های فراسرزمینی از جمله تهدید امنیت ملی است، می‌دهد (StGB, section 5).

- See: <https://blogs.loc.gov/law/2022/06/falqs-the-exercise-of-universal-jurisdiction-in-germany/#:~:text=Germany%20has%20genuine%20universal%20jurisdiction,1. Last visited: 24 December 2022..>

3. Völkerstrafgesetzbuch (Code of Crimes against International Law) (VStGB).

۴. وفق بخش ۱ قانون ۲۰۰۲: «این قانون در مورد تمام جرایم کیفری ضد حقوق بین‌الملل مقرر شده در این قانون، در مورد جرایم مندرج در بخش‌های ۶ تا ۱۲ حتی زمانی که جرم در خارج از کشور ارتكاب یافته باشد و ارتباطی با آلمان نداشته باشد، اعمال خواهد شد. برای جرایم مندرج در بخش ۱۳ که در خارج از کشور انجام شده است، اگر مرتکب آلمانی باشد یا اگر جرم علیه جمهوری فدرال آلمان باشد، این قانون مستقل از قانون محل ارتكاب عمل، اعمال خواهد شد.»

5. Core crimes.

6. Aggression;

بخش اول قانون ۲۰۰۲، همه جرایم مندرج در بخش‌های ۶ تا ۱۲، مشمول صلاحیت جهانی هستند. در مقابل، جرم تجاوز در صورتی که در خارج از آلمان ارتکاب یابد، تابع صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی است. همچنین جرایم مندرج در بخش‌های ۱۴ و ۱۵ تابع اصول کلی صلاحیت سرزمینی هستند و در مواردی که هیچ ارتباطی با آلمان وجود نداشته باشد، مورد تحقیق و تعقیب قرار نخواهند گرفت. همچنین، مطابق قانون ۲۰۰۲، شکنجه و ناپدیدسازی اجباری صرفاً جرایم تحت شمول جنایات علیه

- بخش ۱۳ قانون ۲۰۰۲ مربوط به جرم تجاوز است. این جرم مطابق ماده ۱ قانون ۲۲ دسامبر ۲۰۱۶ که از اول ژانویه ۲۰۱۷ لازم‌الاجرا شد، به قانون ۲۰۰۲ اضافه و وفق ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعریف شده است (TI, 2019: 12).

1. Other criminal offences;

- بخش ۱۴ قانون ۲۰۰۲ (نقض وظیفه نظارت = violation of the duty of supervision) و بخش ۱۵ قانون ۲۰۰۲ (ترک فعل گزارش جرم = omission in reporting a crime) مشمول صلاحیت جهانی نیستند. این گونه جرایم کیفری مشمول اصول کلی صلاحیت سرزمینی، به‌ویژه بخش‌های ۳ تا ۷ قانون کیفری هستند. این محدودیت با این واقعیت توجیه می‌شود که تحقیقات مناسب در مورد چنین جرایمی، مستلزم درک و آگاهی عمیق نسبت به ساختارهای فرماندهی و سلسله‌مراتبی است که قاعداً در مواردی که هیچ ارتباطی با آلمان ندارند، دسترسی به آنها امکان‌پذیر نیست (TI, 2019: 12). برخلاف اصل فرماندهی یا مسئولیت مافوق که نوعی مدل مسئولیت (همانند مباشرت، مشارکت و معاونت) را تشکیل می‌دهد، بخش‌های ۱۴ و ۱۵ جرایم مجرمانه مستقل را مقرر می‌کنند. جرایم مندرج در بخش‌های ۱۴ و ۱۵ قانون ۲۰۰۲ به دلیل زیر نسبت به بخش‌های ۶ تا ۱۳ از اهمیت کمتری برخوردار هستند: الف) آنها صرفاً نقض وظیفه نظارتی را مجازات می‌کنند که فقدان آن، زیردستان را قادر می‌سازد که مرتکب جرایم مندرج در بخش ۶ تا ۱۳ قانون ۲۰۰۲ شوند که می‌توانست از سوی فرمانده پیش‌بینی و از آن جلوگیری شود؛ ب) ترک فعل گزارش چنین جرایمی که از جانب افراد زیردست ارتکاب یافته است.

در خصوص تفکیک پیش‌گفته باید چنین بیان داشت: طبق قانون آلمان، ماده ۲۸ اساسنامه رم با بخش ۴ قانون ۲۰۰۲ مطابقت دارد. با توجه به بخش ۴ قانون ۲۰۰۲، اگر فرمانده نظامی یا مافوق غیرنظامی تعمداً نسبت به جلوگیری از زیردستان خود برای ارتکاب جرمی که در بخش‌های ۶ تا ۱۳ قانون ۲۰۰۲ درج شده است قصور کند، این شخص همانند فرد مرتکب جرم، مسئول بوده، به همان جرم متهم می‌شود. درحالی که بر اساس بخش ۱۴ و ۱۵ قانون ۲۰۰۲- برخلاف بخش ۴ قانون ۲۰۰۲- فرمانده نظامی یا مافوق غیرنظامی در قبال جرم ارتكابی زیردستان مسئول نیست، بلکه منحصرأ در قبال نقض وظیفه یا ترک فعل خود مسئول است؛ نقض وظیفه نظارت یا ترک فعل گزارش جرایم زیردستان، جرایم جداگانه‌ای هستند که مشمول صلاحیت جهانی نمی‌شوند. بر اساس بخش ۴ قانون ۲۰۰۲، فرمانده نظامی یا مافوق غیرنظامی را می‌توان همانند مرتکب مستقیم محکوم کرد، درحالی که ارتکاب جرایم طبق بخش ۱۴ و ۱۵ قانون ۲۰۰۲ حداکثر پنج سال مجازات دارد؛ بدین نحو که در خصوص نقض وظیفه نظارت در صورتی که عمدی باشد حداکثر ۵ سال و در صورتی که ناشی از غفلت باشد حداکثر ۳ سال حبس دارد (VStGB, Section 14 (4)). همچنین در خصوص ترک فعل گزارش جرم، حداکثر ۵ سال مجازات دارد (VStGB, Section 15 (1)).

بشریت و جنایات جنگی اند که هر دو دارای صلاحیت جهانی هستند. قانون کیفری آلمان^۱ حاوی مفاد دیگری نیست که به صراحت اعمال صلاحیت جهانی برای شکنجه یا ناپدیدسازی اجباری به عنوان جرایم مستقل را مقرر کند (TI, 2019: 4). با این حال، اعمال مجرمانه مربوطه را می‌توان مطابق حقوق کیفری عمومی نیز تحت تعقیب قرار داد (StGB, Sections 239^۲, 239a^۳, 239b^۴, 340^۵, 343^۶).

قوانین آلمان عطف به ماسبق شدن^۷ قوانین کیفری را ممنوع می‌کنند؛ بند ۲ ماده ۱۰۳ قانون اساسی آلمان^۸ و بخش نخست قانون کیفری^۹ این کشور تصریح می‌کنند که صرفاً عملی می‌تواند مستوجب مجازات باشد که مسئولیت کیفری قبل از ارتکاب آن عمل به موجب قانون مقرر شده باشد.

مطابق «قانون کیفری سوئد»^{۱۰}، هر جرمی که منجر به حداقل چهار سال حبس باشد، مشمول اعمال صلاحیت جهانی خواهد بود (Swedish Penal Code, Chapter 2, Section 3(7)).

آنچه در قانون کیفری سوئد آمده در دوره‌های زمانی مختلف اصلاح و دامنه آن گسترش یافته است؛ به این نحو که سوئد در ۷ اکتبر ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را امضا و در اول ژوئن ۲۰۰۱ سند تصویبی را تودیع کرد^{۱۱}. بنابراین، درحالی که برخی از جرایم مندرج در اساسنامه دیوان قبلاً در «قانون کیفری سوئد» و «قانون راجع به مسئولیت کیفری برای نسل‌کشی»^{۱۲} جرم‌انگاری شده بود، سال‌ها بعد از پیوستن به دیوان، سوئد «قانون مسئولیت کیفری برای نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی» را در سال ۲۰۱۴^{۱۳} (از این به بعد قانون ۲۰۱۴) وضع کرد (TI, 2020: 4). قانون اخیر، نسل‌کشی (UCA, Section 1)، جنایات علیه بشریت (UCA, Section 2)، جنایات جنگی (UCA, Section 2)

1. German Criminal Code (Strafgesetzbuch – StGB).

2. Unlawful imprisonment.

3. Abduction for purpose of extortion.

4. Hostage taking.

5. Coercion (Nötigung).

6. Aggravated theft.

7 Rückwirkungsverbot.

۸. بند ۲ ماده ۱۰۳ قانون اساسی آلمان: «صرفاً عملی قابل مجازات است که قبل از ارتکاب آن عمل به موجب قانون به عنوان یک جرم کیفری تعریف شده باشد».

۹. بخش ۱ قانون کیفری آلمان: «صرفاً عملی می‌تواند مستوجب مجازات باشد که مسئولیت کیفری قبل از ارتکاب آن عمل به موجب قانون مقرر شده باشد».

10. Swedish Criminal Code (SCC).

11. See: <https://asp.icc-cpi.int/states-parties/western-european-and-other-states/sweden>. Last visited: 18 December 2022.

12. Swedish Act on Criminal Responsibility for Genocide.

13. Swedish Act on Criminal Responsibility for Genocide, Crimes against Humanity and War Crimes (UCA).

11 to 3 Section)، قصور نسبت به اعمال کنترل^۱ (UCA, Section 14) و نیز نسبت به گزارش جرایم ارتکاب یافته از سوی زیردستان (UCA, Section 15)^۲ را به عنوان جرایم جداگانه جرم‌انگاری می‌کند. همچنین شروع به جرم^۳، تدارک^۴ و تبانی^۵ برای ارتکاب چنین جنایاتی و قصور نسبت به افشای^۶ ارتکاب این جرایم را جرم‌انگاری کرده است (UCA, Section 16).

مطابق قانون ۲۰۱۴، شکنجه و ناپدیدسازی اجباری جرایمی تحت شمول جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی هستند؛ همانند قانون آلمان، این قانون حاوی هیچ مفادی نیست که به صراحت شکنجه یا ناپدیدسازی اجباری را به عنوان جرایم مستقل جرم‌انگاری کند. با این حال، چنین اقدامات مجرمانه‌ای می‌تواند مانند سایر جرایم، وفق قوانین کیفری عمومی، ولی برخلاف نظام حقوقی آلمان، براساس صلاحیت جهانی^۷ مورد تعقیب قرار گیرند؛ شکنجه می‌تواند مطابق بند ۲ بخش ۶ فصل ۳ قانون کیفری سوئد، به عنوان یک ضرب و شتم بسیار جدی^۸ تحت تعقیب قرار گیرد. ناپدیدسازی اجباری نیز می‌تواند مطابق بند ۱ فصل ۴ به عنوان آدم‌ربایی^۹ و وفق بند ۲ فصل ۴ به عنوان محرومیت غیرقانونی از آزادی^{۱۰} تحت تعقیب قرار گیرد.

همچنین، مطابق ماده ۱۰ فصل ۲ «سند حکومت»^{۱۱} که بخشی از قانون اساسی سوئد را تشکیل می‌دهد، هیچ کس را نمی‌توان به مجازات کیفری برای عملی محکوم کرد که در زمان ارتکاب مشمول مجازات نبوده است^{۱۲}. بنابراین، عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری طبق قوانین سوئد ممنوع است. قانون ۲۰۱۴ در اول ژوئیه ۲۰۱۴ تصویب شده است. بدیهی است که برای جرایم ارتكابی قبل از این تاریخ، نه این قانون، بلکه (در صورت وجود) قوانین لازم‌الاجرا در همان زمان اعمال می‌شود (TI, 2020: 11).

1. Failure to exercise control.
2. Failure to report a crime.
3. Attempt.
4. Preparation.
5. Conspiracy.
6. Failure to reveal.

۷. مطابق بند ۶ بخش ۳ فصل ۲ قانون کیفری سوئد، هر جرمی با حداقل چهار سال حبس مشمول اعمال صلاحیت جهانی می‌شود؛ برای نمونه، شکنجه به عنوان ضرب و شتم جدی و ناپدیدسازی اجباری به عنوان جرم آدم‌ربایی که هر دو دارای حداقل مجازات بیش از چهار سال هستند، می‌توانند وفق صلاحیت جهانی مورد تعقیب قرار گیرند (SCC, Chapter 2 Section 3(7), Chapter 3 Section 6(2) and Chapter 4(1)).

8. Very serious assault.
9. Kidnapping.
10. Unlawful deprivation of liberty.
11. The Swedish Instrument of Government.

۱۲. فصل ۲، ماده ۱۰ سند حکومت: «در مورد عملی که در زمان ارتکاب مشمول مجازات کیفری نبوده، کیفر یا مجازات کیفری قابل اعمال نیست...».

۲.۳ الزامات شکلی

در این گفتار، پیش شرطها و الزامات اعمال صلاحیت جهانی در نظام قضایی آلمان و سوئد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۲.۳. حضور یا اقامت مظنونان^۱

به منظور اعمال اصل صلاحیت جهانی، دو نگرش در خصوص شرط حضور یا اقامت مظنون در کشور اعمال‌کننده صلاحیت وجود دارد. براساس نگرش اول، شرط اعمال صلاحیت مبتنی است بر حضور و اقامت مظنون در کشور اعمال‌کننده صلاحیت یا درحقیقت دستگیری وی در کشور یادشده. اما براساس نگرش دوم، تنها ملاک اعمال صلاحیت جهانی، ویژگی بین‌المللی جرم است و به هیچ ارتباط دیگری با کشور اعمال‌کننده صلاحیت نیازی نیست (فروغی، ۱۳۸۷: ۲۷۲). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در شیوه اعمال اصل صلاحیت جهانی به صورت مطلق به حضور یا اقامت مظنون در کشور اعمال‌کننده

1. Presence / residence of suspects;

البته در مواردی که مظنون ناشناس باشد، تحقیقات ساختاری در دستور کار دادستان آلمان و سوئد قرار می‌گیرد؛ اساساً تحقیق ساختاری در آلمان و سوئد (structural investigation)، زمانی آغاز می‌شود که شواهدی وجود دارد که جرایمی رخ داده است، اما عاملان احتمالی جرایم ارتكابی هنوز به‌طور قطعی شناسایی نشده‌اند. تحقیقات بر ساختارهای مرتبط با جرم بالقوه و دسته‌بندی مجرمان بالقوه متمرکز است. هدف این تحقیقات نه جرم یا مظنون خاصی، بلکه هدف آن تأمین دلیل و همکاری با کشورهای دیگری است که در حال تحقیق در مورد جرایم مشابه هستند. با این حال، نتایج تحقیقات ساختاری می‌تواند به تحقیقات فردی یا تحقیق راجع به جرم یا مظنون خاصی منجر شود. برای نمونه، در آلمان تحقیقات ساختاری از سال ۲۰۱۱ در خصوص دولت سوریه و نهادهای مرتبط با آن انجام شده است که بررسی‌های یادشده منجر به تحقیقات فردی و نتیجتاً محاکمه و محکومیت دو تن از اعضای سابق سرویس‌های اطلاعاتی سوریه، «انور رسلان» (Anwar Raslan) و «ایاد الغریب» (Eyad Al-Gharib)؛ دستگیری و محاکمه یک پزشک سابق شاغل در سرویس‌های اطلاعاتی سوریه، «علام» (Alaa M)؛ و قرار بازداشت رئیس سابق یکی از سرویس‌های اطلاعاتی سوریه، «جمیل حسن» (Jamil Hassan) منجر شد (TI, 2022: 52). همچنین در سوئد از سال ۲۰۱۵ تحقیقات ساختاری در خصوص سوریه و عراق آغاز شده است (TI, 2020: 13). تحقیقات ساختاری در آلمان از سوی دادستان کل فدرال هدایت می‌شود و هنوز در قانون مقرر نشده است؛ چراکه برخلاف یک پرونده خاص که مطابق بخش ۲۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان اقامه می‌شود، تحقیقات ساختاری به یک وضعیت کلی اشاره دارد؛ یعنی وقتی که مظنون مشخصی وجود ندارد. ادله قابل دسترس در آلمان را می‌توان تأمین کرد؛ برای مثال با بازپرسی از شاهدان احتمالی و جمع‌آوری ادله عینی. در حقیقت، تحقیقات ساختاری صرف نظر از اینکه آیا قابل پیش‌بینی است که جریان تحقیقات منجر به قضایای خاص (تحقیق و تعقیب راجع به مظنون خاص) شود یا خیر، انجام می‌شود. ادله‌ای که در چارچوب چنین جریان رسیدگی تأمین می‌شود، می‌تواند در مراحل تحقیقاتی بعدی مورد استفاده قرار گیرد یا به یک مرجع قضایی خارجی یا بین‌المللی ارائه شود؛ البته چنانچه در چارچوب معاضدت حقوقی متقابل قرار گیرد (TI, 2019: 17).

صلاحیت جهانی نیازی نیست و جریان رسیدگی کیفری در صورت عدم حضور مظنون ادعایی آغاز خواهد شد؛ نمونه چنین موردی مجارستان است (Cordero, 2008: 86). با وجود این، در برخی کشورها، نظام حقوقی (به طور صریح یا ضمنی) حضور متهم را در قلمرو دولت اعمال کننده الزامی می‌داند. برای نمونه، مطابق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران که به عنوان تجویز اعمال صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران شناخته می‌شود (رستمی، ۱۳۹۸: ۱۴۹)، «مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد». یا در نظام حقوقی ژاپن، حضور مظنون در قلمرو این کشور از یک سو و فقدان کشور مناسب‌تری برای تعقیب قضایی مظنون ادعایی از سوی دیگر، بیانگر دو پیش شرط برای اعمال صلاحیت جهانی است و یا در نظام حقوقی ترکیه، ضرورت حضور مظنون ادعایی در قلمرو این کشور، اگرچه در قانون ذکر نشده است، اما قاعده کلی است؛ چراکه در صورت عدم حضور متهم در دادگاه، محاکمه اصلی برگزار نخواهد شد. مبنای این الزام مبتنی بر کارآمدی و ثمربخشی در تعقیب جرایم ارتكابی در خارج از کشور است (Cordero, 2008: 66). با این حال، باید توجه داشت در کشورهایی که به عنوان یک قاعده کلی اعمال صلاحیت جهانی مستلزم حضور مجرم مظنون در قلمرو آنهاست، استفاده از صلاحیت جهانی برای حفظ ادله غیرممکن خواهد بود (Cordero, 2008: 86).

مطابق بخش نخست قانون ۲۰۰۲، مرتکبان جرایم اصلی زمانی که جرم در خارج از کشور ارتکاب یافته باشد و ارتباطی با آلمان نداشته باشد نیز تحت تحقیق قرار خواهند گرفت. بنابراین، اگر مظنون در آلمان حضور نداشته باشد، دادستان‌ها همچنان می‌توانند تحقیقات برای تأمین تمام ادله قابل دسترس برای محاکمه احتمالی بعدی را آغاز کنند. با این حال، براساس قاعده شکلی صلاحیت دادستانی^۱، اگر مظنون در آلمان حضور نداشته و حضور وی هم پیش‌بینی نشده باشد، دادستان می‌تواند از تحقیق در مورد جرم وفق قانون ۲۰۰۲ خودداری نماید (TI, 2019: 17).

باید توجه داشت که در آلمان در خصوص حضور یا سکونت مظنون در این کشور، بین تحقیقات و جریان رسیدگی اصلی تمایز قائل شده‌اند؛ بدین نحو که شروع تحقیقات در خصوص جرم بر اساس اصل جهانی بودن قابل پذیرش است، هرچند متهم خارج از قلمرو این کشور باشد (Cordero, 2008: 66). با این حال، حضور متهم برای جریان رسیدگی اصلی الزامی است؛ چراکه وفق نظام حقوقی آلمان امکان محاکمه غیابی متهم وجود ندارد. در حقیقت، هرگز بدون حضور متهم در دادگاه جریان محاکمه‌ای نمی‌تواند شروع شود. مطابق بند نخست اصل ۱۰۳ قانون اساسی آلمان: «هر کس حق دارد که طبق قانون در محاکم مورد استماع

1. The procedural rule on prosecutorial discretion.

قرار گیرد». این ضرورت، الزامی راجع به رعایت تشریفات قانونی دادرسی^۱ است که متهمان فرصت دفاع از خود را در برابر اتهاماتی که علیه آن‌ها مطرح می‌شود، داشته باشند (TI, 2019: 17).

با این حال، چنانچه متهم در ابتدای محاکمه حضور داشته باشد، امکان ادامه رسیدگی به صورت غیابی، وفق شرایط زیر وجود دارد:

متهم در حین محاکمه کشور را ترک کند، در صورتی که قبلاً مورد بازپرسی قرار گرفته باشد و حضور بیشتر وی ضروری تلقی نشود و نیز مراتب به متهم اعلام شده باشد (StPO, Section 231 para. 2).
 متهم عمداً باعث ناتوانی جسمی خود برای حضور در محاکمه شده باشد (StPO, Section 231a).
 متهم در جریان محاکمه بی‌نظمی ایجاد کند (StPO, Section 231b).

حضور یا اقامت مظنون در سوئد برای احراز صلاحیت محاکم سوئد در مورد جرایم بین‌المللی و همچنین برای تحقیق در مورد این جنایات ضروری نیست (SCC, Chapter 2 Section 3(6)). با این حال، در عمل، چنانچه عدم حضور مظنون مانع از بررسی مؤثر جرم شود، تحقیقات آغاز نخواهد شد. همچنین، اگر فرصت معقولی برای دستگیری مظنون در سوئد وجود نداشته باشد، دادستان پرونده را آغاز نکرده و در دستور کار قرار نمی‌دهد (Interview with a prosecutor from the war crimes unit) (on 25 October 2019, quoted in TI, 2020: 13). همچنین، متهم باید در جریان محاکمه در دادگاه حضور داشته باشد (TI, 2020: 13).

همچنان که مشاهده می‌شود، به‌طور کلی محاکمه غیابی در هر دو نظام حقوقی آلمان و سوئد ممنوع است؛ درحالی که در نظام‌های حقوقی برخی کشورهای دیگر، مشخصاً فرانسه، در خصوص جرایم داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، اگر مظنون پس از آغاز تحقیقات، فرانسه را ترک کند، محاکمه می‌تواند آغاز و به صورت غیابی برگزار شود (CCP, Articles 379-2 et seq).

۳.۲.۲. اصل مجرمیت متقابل^۲

اصل «مجرمیت متقابل» مدت‌هاست که در حقوق بین‌الملل کیفری اعمال می‌شود و ایجاب می‌کند که فعل (یا ترک فعل) موردنظر، هم در کشور درخواست‌کننده و هم در کشور درخواست‌شونده مجرمانه باشد. این اصل از اصل قانونی بودن^۳ سرچشمه می‌گیرد و در عین حال با حاکمیت و عمل متقابل دولت‌ها نیز ارتباط تنگاتنگی دارد (Cryer, et al. 2007: 74). بنابراین، مجرمیت متقابل به‌عنوان شرط اعمال صلاحیت به این معنی است که برای اینکه قانون کیفری یک کشور بر رفتار معین مجرمانه‌ای قابل

1. Due process.
2. Double criminality.
3. Principle of legality (nulla poene sine lege).

اعمال باشد، آن رفتار باید وفق قوانین کیفری دولت دیگر - علی الاصول دولتی که جرم در آن واقع شده است - نیز قابل مجازات باشد (Wyngaert, 1989: 43). به طور کلی، اصل مجرمیت متقابل باید رعایت شود (آن چنان که در نظام‌های حقوقی آلمان، سوئد، بلژیک، کرواسی، فنلاند، فرانسه، مجارستان، ژاپن و ترکیه این گونه است) (Cordero, 2008: 88). همچنین به وضوح می‌توان در موافقت‌نامه‌های معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری، از جمله موافقت‌نامه‌های منعقدۀ ایران با سایر کشورها شرط مجرمیت متقابل را مشاهده کرد.^۱

طبق قوانین کیفری عمومی آلمان، تعقیب جرایم ارتكابی در خارج از کشور به شرط مجرمیت متقابل وابسته است که در آن عمل مجرمانه مورد بحث باید در کشوری که در آن ارتكاب یافته و همچنین در آلمان جرم‌انگاری شود. همچنین باید در خصوص یک تبعۀ آلمانی یا پیوند خاص با آلمان باشد (StGB, Sections 5 to 7). با این حال، جرایم مندرج در قانون ۲۰۰۲، به مجرمیت متقابل نیاز ندارد؛ از این رو، مقامات اجرایی قانون آلمان ممکن است تحقیقات را آغاز کنند و دادگاه ممکن است حکمی را صادر نماید، حتی اگر عمل مجرمانه مورد بحث در کشوری که در آن ارتكاب یافته است جرم‌انگاری نشده باشد (TI, 2019: 18).

همچنین، در نظام حقوقی سوئد برای اعمال صلاحیت رسیدگی به جرایم مندرج در قانون ۲۰۱۴، ضرورت ندارد که همان جرایم در کشوری که در آن ارتكاب یافته است جرم‌انگاری شود (TI, 2020: 14). اگرچه با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مجرمانه بودن عمل ارتكابی در کشور مقر دادگاه پیش شرط ضروری است؛ با این حال در خصوص جرایم متضمن صلاحیت جهانی چنین الزامی در مورد کشور محل وقوع جرم ضرورت ندارد. به نظر می‌رسد توجه به ماهیت جرایم متضمن صلاحیت جهانی و عام‌الشمول بودن تعهدات ناظر بر حقوق بنیادین بشر و تعهد کشورها در مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جرایم بین‌المللی و مشخصاً عمل به تعهدات برگرفته از حقوق بین‌الملل عام، فقدان چنین پیش شرط و الزامی را به طور متقن توجیه می‌کند.

۳.۲.۳. صلاحیت دادستانی^۲

اصل تعقیب اجباری در بسیاری از کشورها (همچون آلمان و سوئد) حاکم است. براساس این اصل، مقامات تعقیب کیفری موظف‌اند در صورت کسب آگاهی یا ظن^۳ به ارتكاب جرم، اقدامات لازم برای تعقیب را آغاز

۱. موافقت‌نامه معاضدت قضایی در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک مردمی الجزایر، مصوب ۱۳۸۳؛ معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در زمینۀ معاضدت حقوقی دوجانبه در موضوعات کیفری مصوب ۱۳۹۵.

2. Prosecutorial discretion.

کنند؛ این به آن معناست که آنها هیچ اختیار صلاحیدیدی در مورد شروع جریان رسیدگی کیفری ندارند و باید اقدامات تحقیقاتی لازم را انجام دهند (Cordero, 2008: 67). در مقابل، اصل تعقیب صلاحیدیدی (اختیاری) به مقامات تعقیب اجازه می‌دهد تا در موارد خاص از تعقیب خودداری نمایند (Cordero, 2008: 67).

به طور کلی، براساس اصل تعقیب اجباری^۱، دادستان‌های آلمانی موظف‌اند تمام جرایم مندرج در قانون ۲۰۰۲ را برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی و جمع‌آوری ادله‌ای که ممکن است در محاکمه بعدی در این کشور یا خارج از آن مورد استفاده قرار گیرند، مورد تحقیق و تعقیب قرار دهند (TI, 2019: 18). با این حال، در شرایط خاص، دادستان در مورد تحقیق یا تعقیب این جرایم دارای صلاحیدید است؛ این صلاحیدید دادستانی برای طرح اتهامات عمومی جرایم مندرج در قانون ۲۰۰۲ در بخش «۱۵۳و» قانون آیین دادرسی کیفری آلمان مقرر شده است (TI, 2019: 18).

شایان ذکر است در آلمان دامنه صلاحیدیدی دادستانی بسته به اینکه صلاحیت جهانی وفق جرایم بین‌المللی اعمال می‌شود یا ناشی از جرایم مبتنی بر معاهده^۲، متفاوت است؛ در مورد جرایم مبتنی بر معاهده، دادستان‌ها می‌توانند از اختیار صلاحیدیدی گسترده خود استفاده کنند و از تعقیب مظنون ادعایی خودداری نمایند. اما در مورد جرایم بین‌المللی ارتكابی (نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) در خارج از کشور، تحقیقات و تعقیب الزامی است (Cordero, 2008: 69).

قاعده شکلی مندرج در بخش «۱۵۳و» قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، به دادستان این امکان را می‌دهد که در شرایطی که هیچ ارتباطی با آلمان وجود ندارد، از اصل تعقیب اجباری عدول کند. اگر قضیه مربوط به آلمان باشد، دادستان صلاحیت دار علی‌الاصول وظیفه قانونی دارد که تحقیقات را آغاز کند. بدون ارتباط با آلمان، اصل مهم، اولویت دادن به حق و وظیفه اولیه محاکم بین‌المللی یا دادستان‌هایی از کشورهای محل سکونت قربانیان یا مجرمان یا حوزه قضایی است که جرم در آن ارتکاب یافته است (TI, 2019: 18-19).

با توجه به بند ۱ و ۲ بخش «۱۵۳و» قانون آیین دادرسی کیفری که شامل این شرط ارتباطی است، دادستان می‌تواند از تحقیق و تعقیب چشم‌پوشی کند اگر:

- هیچ تبعه آلمانی مظنون به ارتکاب جرم نباشد؛
- جرم علیه اتباع آلمانی ارتکاب نیافته باشد؛
- هیچ مظنونی در آلمان وجود نداشته باشد یا حضور وی پیش‌بینی نشود؛
- جرم از سوی یک دادگاه بین‌المللی یا دولتی که جرم در آن مکان ارتکاب یافته یا شهروند آن مرتکب جرم شده و یا در اثر این جرم آسیب دیده باشد، تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

1. Mandatory prosecution (Legalitätsprinzip).

2. Treaty-based crimes.

عبارت‌پردازی بند ۱ و ۲ بخش «۱۵۳و» قانون آیین دادرسی کیفری به‌صراحت بیان می‌کند که دادستان اختیار تصمیم‌گیری در مورد تعقیب یا عدم تعقیب قضیه را دارد؛ یعنی حتی اگر هیچ‌یک از مؤلفه‌های پیش‌گفته وجود نداشته باشد، باز هم ممکن است دادستان تحقیق و تعقیب را انتخاب کند (TI, 69: 2008; Cordero, 2019: 19). اعمال صلاح‌دید دادستانی عملاً نشان داده است که دادستان‌ها در همه مواردی که می‌توانند در آلمان تحصیل دلیل کنند یا در مواردی که قربانیان یا شاهدان در خاک آلمان حضور دارند، تحقیق می‌کنند؛ حتی اگر هیچ‌یک از شرایط مندرج در بند ۱ و ۲ بخش «۱۵۳و» وجود نداشته باشد. دادستان‌ها از شروع تحقیقات در مواردی که شانس برای جمع‌آوری ادله بدون توسل به معاضدت حقوقی متقابل وجود ندارد، خودداری می‌کنند، مگر اینکه مظنون تابعیت آلمانی داشته باشد. اگرچه دادستان‌ها از معاضدت حقوقی متقابل استفاده می‌کنند، اما برای اقامه پرونده‌های خود صرفاً به ادله ناشی از معاضدت حقوقی متقابل تکیه نمی‌کنند (Interview with ECCHR on 8 February 2019, quoted in TI, 2019: 19). در مواردی که ادله در آلمان در دسترس نباشد، موضوع کاملاً به صلاح‌دید دادستان بستگی دارد؛ به این معنی که دادستان می‌تواند تحقیقات را ادامه دهد، اما دادستان‌ها در عمل فقط در موارد غیرمعمول این کار را انجام می‌دهند، به‌ویژه زمانی که این خطر وجود دارد که نسبت به تعقیب مؤثر از سوی کشور دیگر یا دیوان کیفری بین‌المللی اطمینان حاصل نشود. برای مثال، به دلیل فساد، که البته چنین موردی علی‌الاصول در خصوص یک کشور محتمل است تا دیوان کیفری بین‌المللی. اگر هیچ تحقیقی از سوی مرجع ذی‌صلاح دیگری انجام نشود، وظیفه قانونی دادستان‌های آلمانی است که براساس اصل تعقیب اجباری جرایم مربوطه را تحت تعقیب قرار دهند (TI, 2019: 19). با این حال، باید توجه داشت تصمیم به خودداری از تحقیقات یا خاتمه آن و یا ادامه جریان رسیدگی به‌عده دادستان کل فدرال است؛ این دادستان می‌تواند در هر مرحله از جریان رسیدگی از طرح اتهامات خود منصرف شود، حتی اگر پیش‌تر طرح اتهامات ترجیح داده شده باشد؛ بنابراین، دادستان کل فدرال دارای اختیارات صلاح‌دیدی کامل است (Cordero, 2008: 70). همچنین باید بیان داشت برخلاف برخی کشورها همچون هلند که طرف ذی‌نفع می‌تواند علیه تصمیم به عدم شروع جریان رسیدگی کیفری از سوی دادستان عمومی اعتراض کند، در آلمان تصمیم صلاح‌دیدی دادستانی قطعی است و قابل تجدیدنظر نیست (Cordero, 2008: 70).

مطابق قانون آیین دادرسی سوئد، دادستان‌ها موظف‌اند تحقیقاتی را «به دلیل دریافت گزارشی یا به دلایل دیگری مبنی بر اینکه این باور وجود دارد جرمی که قابل تعقیب عمومی است ارتکاب یافته است» آغاز کنند (Procedural Code, Chapter 23 Section 1(1)). اصطلاح «دلیلی بر این باور» به این معنی است که باید بتوان برخی از شرایط مشخص را ارائه داد؛ برای مثال، اظهاراتی از یک شاهد و اینکه

شایعات مبهم کافی نیستند. با این حال، وجود یک مرتکب مظنون در این مرحله از فرایند، الزامی نیست. وقتی شکایتی مطرح شد، دادستان وظیفه دارد رسیدگی کند (TI, 2020:13)؛ با این حال، دادستان در عمل اختیار قابل توجهی دارد. در صورتی که به نظر دادستان «آشکار باشد که امکان رسیدگی به جرم وجود ندارد»، ممکن است تصمیم بگیرد که تحقیقات را آغاز نکند؛ حتی اگر شرایط مشخصی ارائه گردد (Procedural Code, Chapter 23 Section 1(2)). این اصل در مورد همه جرایم جاری است. علاوه بر این، دادستان ممکن است به دلیل شرایط زیر از شروع تحقیقات خودداری یا تحقیقات - راجع به هر جنایتی - را متوقف کند (Procedural Code, Chapter 23 Section 4a(2)):

اگر ادامه تحقیقات هزینه‌هایی را به همراه داشته باشد که متناسب با اهمیت موضوع نباشد و جرم در صورت تعقیب کیفری منجر به مجازاتی شدیدتر از جریمه نخواهد شد؛

اگر مفروض باشد که به موجب مفاد مربوط به معافیت از تعقیب مندرج در فصل ۲۰ یا به دلیل بررسی تفصیلی تعقیب و اینکه با توقف تحقیقات مقدماتی، هیچ یک از منافع عمومی یا خصوصی قابل توجه نادیده گرفته نشود، تعقیب آغاز نخواهد شد (Procedural Code, Chapter 23 Section 4a(1)).

مطابق قانون آیین دادرسی سوئد هدف از هرگونه تحقیق، بررسی این است که چه کسی می‌تواند به طور منطقی مظنون به ارتکاب یک جنایت باشد؛ آیا دلایل کافی برای تعقیب کیفری وجود دارد و آیا ادله می‌تواند به طور منسجم در جلسه رسیدگی اصلی قابل ارائه باشد (Procedural Code, Chapter 23 Section 2). در صورتی که دادستان ادله تحصیل شده در تحقیقات را ناکافی بداند، می‌تواند با هدف جمع‌آوری ادله بیشتر به تحقیقات ادامه دهد یا قرار عدم تعقیب صادر کند (Procedural Code, Chapter 23 Section 20). از طرف دیگر، اگر دادستان ادله جمع‌آوری شده را برای تعقیب کافی بداند، مکلف به تعقیب جرم است. بنابراین قوانین سوئد، نه تنها وظیفه تحقیق راجع به جرایم، بلکه وظیفه تعقیب کیفری را نیز مقرر می‌کند (Procedural Code, Chapter 20 Section 6) و این به آن معناست که دادستان در صورتی مکلف به تعقیب جرم است که به نظر او دلایل کافی برای اثبات ارتکاب جرم جمع‌آوری شده است و در این مرحله می‌تواند اثبات کند که مرتکب جرم کیست. علاوه بر این، دادستان باید بدون توجه به خواست طرفین دعوی، جرم را تحت تعقیب قرار دهد. به عبارت دیگر، طبق قوانین سوئد امکان پذیر نیست که قربانی جرم مانع اقامه دعوی شود (TI, 2020: 13-14). بنابراین، پس از تکمیل تحقیقات، دادستانی تصمیم می‌گیرد که جریان رسیدگی‌ها را آغاز کند یا خیر و آنچه در تصمیم وی تعیین کننده است، کفایت ادله و امکان صدور حکم مجرمیت متهم است.

۳.۲.۴. تأیید دولتی یا سیاسی^۱

بخش ۱۰۴ الف قانون کیفری آلمان مقرر می‌دارد: «جرایم مندرج در این فصل فقط در صورتی مورد تعقیب قرار خواهند گرفت که روابط دیپلماتیک جمهوری فدرال آلمان با دولت دیگر برقرار باشد، عمل متقابل تضمین شده و در زمان وقوع جرم نیز تضمین شده بود، درخواستی برای تعقیب از سوی دولت خارجی ارائه شده است و دولت فدرال مجوز تعقیب را صادر می‌کند». لذا، مطابق مفاد ماده یادشده، چنین تأییدی برای تعقیب جرایم ارتكابی علیه نمایندگان کشورهای خارجی در خاک آلمان ضروری است. اما تحقیقات و تعقیب جرایم قانون ۲۰۰۲ وفق صلاحیت جهانی مشمول هیچ‌گونه تأیید رسمی یا غیررسمی سیاسی نیست (TI, 2019: 19).

بر اساس قانون کیفری سوئد، دادستان‌ها قبل از طرح کیفرخواست در مورد جرایم ارتكابی در یک کشور خارجی، به تأیید «دولت یا مقام عمومی تعیین شده از سوی دولت»^۲ نیاز دارند (SCC, Chapter 2 Section 5). هیچ معیاری در قانون ذکر نشده است، لذا این امر اختیارات گسترده‌ای را به دولت می‌دهد. در واقع، این امر به‌طور بالقوه می‌تواند مانع بزرگی برای تعقیب خارجی‌ها، به‌ویژه افراد عالی‌رتبه باشد و هیچ امکانی برای اعتراض به تصمیم دولت وجود ندارد (TI, 2020: 14).

علی‌الاصول نقش‌آفرینی ارگان سیاسی در یک موضوع قضایی امری قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد؛ از یک سو به‌وضوح دخالت سیاسی و منوط کردن امکان آغاز جریان رسیدگی‌های کیفری به تأیید سیاسی با اصل تفکیک کارکرد سیاسی و قضایی نهادهای دولتی و قضایی سنخیت و همسویی ندارد و از سوی دیگر چنین دخالتی در جهت ممانعت از آغاز جریان رسیدگی‌های کیفری، با ماهیت جرایم بین‌المللی متضمن اصل صلاحیت جهانی، ارزش‌های بنیادینی که در نتیجه ارتكاب چنین جرایمی نقض شده‌اند و نیز تعهد کشورها در مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جرایم بین‌المللی سازگار نیست؛ چراکه ماهیت این جرایم، ارزش‌های نقض شده و تعهد یادشده ایجاب می‌کند که نه‌تنها دولت‌ها بسترهای حقوقی لازم را برای تعقیب مرتکبان جرایم بین‌المللی فراهم آورند، بلکه به طریق اولی چنین تعقیبی را به هزینه-فایده سیاسی گره نزنند. اگرچه تردیدی نیست که مبانی حقوقی آغاز هر جریان رسیدگی در هر شرایطی باید محقق شود، ولی نیک پیداست که گره‌زدن امکان آغاز جریان رسیدگی‌های کیفری به تأییدیه سیاسی با مبانی حقوقی لازم سازگار نبوده، در نتیجه اعمال اصل صلاحیت جهانی را از فلسفه وجودی آن دور کرده، امکان سوءاستفاده سیاسی از آن را فراهم می‌آورد.

1. Governmental approval or Political approval.

2. Government or the public authority designated by the Government.

۳.۲.۵. اصل تفویض صلاحیت^۱

مطابق اصول کلی موجود در حقوق بین‌الملل کیفری، اصل صلاحیت جهانی، اصلی مکمل و فرعی محسوب می‌شود؛ چراکه هدف در واقع تکمیل یک صلاحیت کیفری اجرانشده است. از همین رو، وفق اصل منع محاکمه مجدد، در صورت رسیدگی قبلی از سوی دادگاه‌های خارجی، اعمال این اصل از جانب دادگاه‌های داخلی منتفی می‌شود (فروغی، ۱۳۸۷: ۲۷۳).

در حقوق بین‌الملل کیفری، تفویض صلاحیت به این معناست که طرف ثالث باید پرونده کیفری را به کشوری که ارتباط قوی‌تری با آن دارد واگذار کند - معمولاً به ترتیب تقدم، ابتدا کشور محل ارتکاب و سپس کشور متبوع قربانی و کشور مظنون ادعایی - به شرطی که کشور دوم قادر و مایل به تحقیق یا تعقیب پرونده باشد.^۲

مقامات اجرای قانون و محاکم آلمان در درجه اول از صلاحیت رسیدگی به جرایم و صدور حکم راجع به جرایم مندرج در قانون ۲۰۰۲ برخوردار هستند. به طور کلی، آنها تکلیف قانونی ندارند که به نفع سایر مراجع ذی‌صلاح از خود سلب صلاحیت کنند (TI, 2019: 20). با این حال، مطابق شق ۴ بند ۲ بخش «۱۵۳ و» قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، در صورتی که دیوان کیفری بین‌المللی یا دولت دیگری با صلاحیت سرزمینی یا شخصی فعال یا منفعل، قضیه را مورد رسیدگی قرار دهد، دادستان اختیار دارد که تحقیقات را آغاز نکند یا اینکه آن را متوقف سازد (StPO, Section 153f, para. 2, no. 4). شایان ذکر است که اگر تعقیب در مرجع ذی‌صلاح دیگر صرفاً به‌عنوان تظاهر یا بدون تمایل واقعی برای اجرای عدالت باشد، ناکافی تلقی شده، لذا چنین جریان رسیدگی نمی‌تواند موجهی برای تفویض صلاحیت از طرف مقامات اجرای قانون و محاکم آلمان باشد (TI, 2019: 20).

مقامات اجرای قانون و دادگاه‌های سوئد صلاحیت تحقیق و محاکمه در مورد جرایم مشمول قانون ۲۰۱۴ را دارند و هیچ تکلیف قانونی برای صرف‌نظر کردن به نفع سایر نهادهای اعمال‌کننده صلاحیت ندارند و حتی اگر دیوان کیفری بین‌المللی در حال تحقیق یا تعقیب همان شخص باشد، ادامه تحقیقات یا تعقیب نیز مانعی نخواهد داشت (TI, 2020: 15). البته توجه به اصل منع محاکمه مجدد ایجاب می‌کند که محاکم قضایی کشورها اطمینان حاصل کنند که آغاز جریان رسیدگی‌های کیفری علیه افراد مظنون به ارتکاب جرایم بین‌المللی، این افراد را در معرض مجازات مجدد به سبب همان عمل قرار ندهد که قبلاً با حسن نیت و براساس معیارهای بین‌المللی جریان رسیدگی‌های کیفری علیه آنها آغاز و منتج به صدور حکم شده بود. این اصل به‌عنوان یکی از شرایط اعمال صلاحیت جهانی مورد توجه اصول چهارده‌گانه

1. Principle of subsidiarity.

2. See: <https://unijuris.sites.uu.nl/wp-content/uploads/sites/9/2014/12/Subsidiarity-and-the-law-of-jurisdiction.pdf>. Last visited: 20 January 2023.

The Princeton Principles on) پرینستون راجع به صلاحیت جهانی نیز قرار گرفته است (Universal Jurisdiction, 2001: Principle 9).

۳.۲.۶. مرور زمان

در حقوق بین‌الملل، جرایم خاص مضمول هیچ‌گونه مرور زمانی نیست؛ این به آن معناست که هرچقدر هم از مدت ارتکاب سپری شده باشد، باز هم می‌توان علیه عاملان این جرایم، جریان رسیدگی قضایی را آغاز کرد. مشخصاً وفق قاعده ۱۶۰ مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی که از سوی صلیب سرخ جهانی در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است، «مرور زمان نسبت به جرایم جنگی اعمال نمی‌شود» (دوسوالدیک و هنکرتز، ۱۳۸۷: ۸۶۴).

بخش ۵ قانون ۲۰۰۲ آلمان مقرر می‌دارد: «مطابق این قانون، تعقیب جرایم جدی و اجرای احکام صادره در خصوص آنها مضمول هیچ‌گونه مرور زمانی نخواهد بود». بنابراین، در مورد جرایم مندرج در بخش‌های ۶ تا ۱۳ قانون ۲۰۰۲، به صراحت تصریح می‌کند که مضمول هیچ مرور زمانی نخواهند شد. در مورد جرایم نقض وظیفه نظارت (بخش ۱۴ قانون ۲۰۰۲) و ترک فعل گزارش جرم زیردستان (بخش ۱۵ قانون ۲۰۰۲) مرور زمانی را تعیین نمی‌کند. بنابراین، مقررات کیفری عمومی مندرج در قانون کیفری آلمان اعمال می‌شود (TI, 2019: 16). نظر به اینکه حداکثر مجازات برای این دو جرم، پنج سال است (VStGB, Section 14 and 15)، لذا وفق شق ۴ بند ۳ بخش ۷۸ قانون کیفری آلمان، تعقیب کیفری مربوط به این دو جرم قانون ۲۰۰۲، پس از یک بازه زمانی پنج‌ساله دیگر امکان‌پذیر نیست (StGB, Section 78, para. 3, no. 4).

طبق بند ۵ بخش ۲ فصل ۳۵ قانون کیفری سوئد، مرور زمان در مورد نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی فاحش^۱ یا جنایت تجاوز طبق بخش ۱، ۲، ۱۱ یا ۱۱الف قانون مسئولیت کیفری برای برخی جرایم بین‌المللی، اعمال نمی‌شود. اما در مورد جنایت جنگی معمولی^۲، مدت مرور زمان ۱۰ سال است (SCC, Chapter 35 Section 1(3)). البته قبل از اول ژوئیه ۲۰۱۰، جنایات جنگی فاحش مضمول یک دوره مرور زمان ۲۵ ساله بود (SCC, Chapter 35 Section 1(5))، ولی از آن زمان، به موجب اصلاحیه‌ای در مرور زمان، جنایات جنگی فاحش دیگر مضمول مرور زمان نیستند (TI, 2020: 12). با این همه، این اصلاح قانون فقط در مورد جرایمی اعمال می‌شود که در زمان لازم‌الاجرا شدن قانون جدید در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۱۰، مدت مرور زمان آنها هنوز به پایان نرسیده باشد و به استثنای این

1. Gross.

2. Regular (as opposed to "gross") war crimes.

موضوع، اگر مرتکب کمتر از ۲۱ سال داشته باشد، محدودیت مرور زمان ۲۵ سال اعمال می‌شود (SCC, Chapter 35 Section 1(5)).

۴. نتیجه‌گیری

با اعمال اصل صلاحیت جهانی، هر کشوری می‌تواند مرتکبان ادعایی جرایم بین‌المللی مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی را تحت تعقیب قرار دهد. اصولاً در خصوص اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی آلمان و سوئد اتفاق نظر وجود دارد و نظام قانون‌گذاری این دو کشور به وضع و اعمال چنین اصلی در نظام قضایی خود مبادرت ورزیده‌اند. دامنه و مصادیق، کاربرد و شیوه اعمال و نیز پیش‌شرطها و الزامات این اصل میان این دو کشور با وجود برخی تفاوت‌ها از جمله رویکرد موسع نظام حقوقی سوئد، غالباً متحدالشکل است. در خصوص کشور آلمان، نظام حقوقی این کشور در مورد جرایم اصلی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، در قسمت نخست بخش اول قانون ۲۰۰۲، با اتخاذ شیوه اعمال صلاحیت موسع، هیچ معیاری را برای محدود کردن صلاحیت جهانی مقرر نمی‌کند؛ با این حال، دادستان عملاً از اختیارات صلاحیدیدی مشخصی برخوردار است که در صورت برآورده نشدن الزامات مشخص، از تحقیق و تعقیب مرتکب ادعایی خودداری خواهد کرد. در مورد جرم تجاوز، عملاً اصل صلاحیت جهانی اعمال نمی‌شود؛ به این صورت که مرتکبان ادعایی این جرم فقط در دو صورت تحت تحقیق و تعقیب قرار خواهند گرفت: اولاً مرتکب تبعه آلمان باشد (اصل صلاحیت شخصی فعال) و ثانیاً جرم علیه جمهوری فدرال آلمان (اصل صلاحیت واقعی) ارتکاب یافته باشد. به عبارت دیگر، مبنای صلاحیتی برای تعقیب تجاوز، نه اصل صلاحیت جهانی، بلکه صلاحیت شخصی و واقعی است. همچنین، با توجه به بخش اول قانون ۲۰۰۲، بخش ۱۴ (نقض وظیفه نظارت) و بخش ۱۵ قانون ۲۰۰۲ (ترک فعل گزارش جرم زیردستان) مشمول صلاحیت جهانی نیستند. در نظام حقوقی سوئد، نه تنها جدی‌ترین جرایم بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی هستند، بلکه مرتکبان ادعایی هر جرمی که دارای حداقل ۴ سال حبس باشند، وفق صلاحیت جهانی قابل تعقیب‌اند.

منابع

الف) فارسی

– کتابها

۱. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). *مقابله با جرائم بین‌المللی؛ تعهد دولت‌ها به همکاری*، تهران: انتشارات شهردانش.

۲. دوسوالدبک، لوییس و هنکرتز، ژان ماری (۱۳۸۷). حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، جلد اول: قواعد، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ویراستاران: کتابون حسین نژاد و پوریا عسکری، تهران: انتشارات مجد.
۳. زمانی، سید قاسم (۱۴۰۰). گفتارهایی در حقوق بین‌الملل بشر، تهران: انتشارات خرسندی.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران و همکاران، تهران: انتشارات جنگل.
۶. والاس، ربکا (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران، شهردانش.
۷. وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰). ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

– مقالات –

۸. رستمی، سینا (۱۳۹۸). بررسی حدود اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران. فصلنامه داخلی وکلای دادگستری خراسان، ۹ (۱۹) پیاپی ۱۹، ۱۳۷-۱۵۶.
۹. صابر، محمود و میرمجیدی هشتچین، سپیده (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جرم انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی؛ حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش‌های موضوع حقوق بین‌الملل. مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۴ (۲) پیاپی ۲، ۹۷-۱۲۱.
۱۰. فروغی، فضل‌الله (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری آلمان و آمریکا. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸ (۲)، ۲۶۱-۲۸۳.

(ب) انگلیسی

– Book

1. Cryer, Robert; Friman, Håkan; Robinson, Darryl; Wilmshurst Elizabeth (2007). *an Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press.

- Article & Thesis

2. Fernández-Sánchez (2018). Universal Jurisdiction and Terrorism, (*GJIL*). vol. 6 (1).
3. Takeuchi, Mari (2014). Modalities of the Exercise of Universal Jurisdiction in International Law. Submitted in fulfilment of the requirements for the Degree of PhD, School of Law College of Social Science University of Glasgow.
4. Wyngaert, C. van den. (1989). Double criminality as a requirement to jurisdiction. *Nordisk Tidsskrift for Kriminalvidenskab*, 76 (5). Available at: <https://doi.org/10.7146/ntfk.v76i5.71230>.

- Laws, Reports, and Statements

5. Act on criminal responsibility for genocide, crimes against humanity and war crimes (UCA), issued on 28 May 2014, Published 11 June 2014.

6. Charter of the International Military Tribunal - Annex to the Agreement for the prosecution and punishment of the major war criminals of the European Axis ("London Agreement"), 8 August 1945.
7. Code of Crimes against International Law (CCAIL) of 26 June 2002 (Federal Law Gazette I, p. 2254), as last amended by Article 1 of the Act of 22 December 2016 (Federal Law Gazette I, p. 3150).
8. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 10 December 1984.
9. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 10 December 1984.
10. Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 14 May 1954.
11. Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation, 23 September 1971.
12. Convention for the suppression of unlawful acts against the safety of maritime navigation, 10 March 1988.
13. Convention for the suppression of unlawful seizure of aircraft, 16 December 1970.
14. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 9 December 1948.
15. Cordero, I. Blanco (2008), Universal jurisdiction; General report, Dans Revue internationale de droit pénal 2008/1-2 (Vol. 79), pages 59 à 100.
16. Criminal Code in the version published on 13 November 1998 (Federal Law Gazette I, p. 3322), as last amended by Article 2 of the Act of 19 June 2019 (Federal Law Gazette I, p. 844).
17. Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 14 May 1954.
18. ICJ, separate opinion of president guillaume, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment of 14 February 2002.
19. ICTY, Prosecutor v. Dusko Tadic aka "Dule", (Case No. IT-94-1-I, Oct. 2, 1995).
20. Inter-American Convention to Prevent and Punish Torture, 9 December 1985.
21. International Convention against the taking of hostages, 17 December 1979.
22. International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, 23 December 2010.
23. Iraqi High Tribunal, Dujail Trial, 5 November 2006.
24. Ministry of Justice Sweden, The Office of Legal Affairs of the United Nations, reference LA/COD/59/1. 2021.
25. Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998.
26. Second Protocol to The Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 26 March 1999.
27. Statement by Sweden on behalf of the Nordic countries (Denmark, Finland, Iceland, Norway and Sweden), at the Sixth Committee on "The scope and application of the principle of universal jurisdiction", 2018.
28. Statement by the Federal Republic of Germany at the Sixth Committee on "The scope and application of the principle of universal jurisdiction", October 2021.
29. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda.

30. Statute of the International Tribunal for the Former Yugoslavia.
31. The Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes against Humanity. New York, 26 November 1968, Entry into force: 11 November 1970.
32. The French Criminal Code of Procedure (CCP), Date Published 1988.
33. The Princeton Principles on Universal Jurisdiction, Princeton Project on Universal Jurisdiction, With a Foreword by Hon. Mary Robinson United Nations High Commissioner for Human Rights, 2001.
34. The Swedish Criminal Code (SCC), adopted in 1962 and entered into force on 1 January 1965, and amendments.
35. TRIAL International, Universal Jurisdiction Annual Review 2022.
36. TRIAL International, Universal Jurisdiction Law and Practice in Germany, March 2019.
37. TRIAL International, Universal Jurisdiction Law and Practice in Sweden, April 2020.
38. UN Doc. A/CN.4/L.967, 11 May 2022.
39. United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS), 10 December 1982.